

بررسی پوشاک بانوان ایلامی و تحلیل مردم‌شناختی آن

فریبا پروانه^۱

رضا حقیقی^۲

چکیده

تاریخ پوشاک بخشی از تاریخ تمدن است که از تحولات، شکل و فرم لباس از زمان‌های دور تاکنون گفتگو می‌کند. این پژوهش که با هدف بررسی و تحلیل مردم‌شناختی پوشاک بانوان ایلامی در دوران معاصر انجام شده است، چارچوب مفهومی آن مبتنی بر مفاهیم نظریات اندیشمندان دو مکتب کارکردگرایی و اشاعه می‌باشد. روش پژوهش در این مقاله کیفی بوده و اطلاعات آن با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی و با استفاده از تکنیک مصاحبه و فیشبرداری گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پوشاک بانوان ایلامی، عبارتند از: فعالیت اجتماعی، گذشت زمان و تغییرات سیاسی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، اعتقادات و باورهای فرهنگی و مذهبی جامعه، منزلت اجتماعی، قومیت و نحوه معیشت که در این میان، مهمترین مؤلفه تأثیرگذار بر روی پوشاک این قشر از جامعه، اعتقادات و باورهایی است که ریشه در سنن پیشینیان دارد. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که با تغییر زمان و تکنولوژی، پوشاک و زیورآلات دستخوش تغییر شده و کارکردها و نمادهای سنتی آن هم تحت تأثیر فرهنگ غالب دچار تحول گردیده است. پیشنهاد می‌شود به منظور آشنایی نسل جدید با این گنجینه باارزش (پوشاک) پژوهش‌هایی نیز در زمینه پوشاک سنتی مردان و کودکان اقوام مختلف ایرانی انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: ایلام، تحلیل مردم‌شناختی، پوشاک بانوان، باورها.

مقدمه

پوشاک هر ملت و قوم، به عنوان پدیده فرهنگی حاصل از تمدن، در اصل مشخصکننده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه‌ای از پابندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و دیگر شاخص‌های فرهنگی و علاقه آنان به تمایز فرهنگی، استقلال سیاسی و اقتصادی است. پوشاک هر قوم، تجانس و قرابت فوق‌العاده‌ای با فرهنگ جامعه و شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه مورد نظر دارد. «برای ایران وسیع، به علت داشتن مناطقی با آب و هوای گوناگون، ایجاب می‌کرده است که مردمش دارای پوشاک گوناگون باشند» (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۱). پوشاک سنتی و مطالعه آن به مجموعه‌ای از «سرپوش»، «تن‌پوش»، «پاپوش»، «زیورآلات» و «جواهرات محلی» محدود می‌شود.

رنگ، جنس، اندازه، زیورآلات، تزیینات و نقوش و نحوه بستن سرپوش و سربند و موارد استفاده از آن و مقدار پارچه، نحوه دوخت، طرز تهیه، موارد استفاده و کارکرد تن‌پوش نزد دختران و زنان، معرف و نشان‌دهنده منزلت اجتماعی، شخصیت، موقعیت اقتصادی، سن و ویژگیهای فرهنگی آنهاست؛ از این رو اساس مطالعه حاضر (مردم‌شناسی پوشاک) را می‌توان در قالب عوامل زیر دسته‌بندی کرد:

الف) مبانی اعتقادی و باورهای دینی و فراگیر؛

ب) عوامل زیست‌محیطی و اقلیم؛

ج) شرایط و روابط اجتماعی از جمله نحوه معیشت و قشربندی اجتماعی و

د) تأثیر همجواری با اقوام مجاور و نزدیک.

در پدید آمدن چارچوب اولیه این پژوهش چند موضوع مهم مد نظر قرار گرفته شد: ابتدا «زن»، سپس «فرهنگ» و در نهایت ارتباط بین پوشاک و نوع اقلیم و محیط جغرافیایی. مسائل مرتبط با زنان همواره می‌تواند از موضوعات مهم پژوهش و تحقیق باشد؛ زیرا این قشر به عنوان نیمی از جامعه انسانی، در جوامع سنتی ایران، بدون هیچگونه ادعایی همیشه فعال و مؤثر بوده و در طول تاریخ، میراث فرهنگی جامعه را به نسل‌های آینده و سنت‌های گذشتگان را به آیندگان انتقال داده‌اند. بررسی پوشاک زنان ایلامی، به عنوان موضوعی جهت پژوهش، به منظور آشنایی با جنبه‌هایی از شیوه‌های رفتاری، ذوق و سلیقه، روحیات و تفکر زنان ایلامی در جوامع سنتی و معاصر صورت می‌گیرد. در

بین اقوام معاصر ایرانی که فرهنگ زیست شهری بر آنها غالب شده، استفاده از پوشاک محلی در جریان زندگی روزمره رو به افول نهاده است و تنها افراد مسن بر استفاده از این عناصر یا بخشی از آنها اصرار می‌ورزند. از اینروست که تحقیق دربارهٔ چگونگی استفاده از پوشاک سنتی زنان ایلامی و ثبت و ضبط آنها می‌تواند گامی مؤثر در جهت حفظ این بخش از میراث فرهنگی برای آیندگان باشد.

هدف کلی این تحقیق، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پوشاک سنتی بانوان شهرستان ایلام در دوران معاصر و تحلیل مردم‌شناختی آن می‌باشد. اهداف جزئی آن نیز شناسایی عوامل اقلیمی و محیطی تأثیرگذار بر جنس و شکل پوشاک بانوان ایلامی، شناسایی عوامل اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی تأثیرگذار بر پوشاک بانوان ایلامی و شناسایی عوامل فرهنگی تأثیرگذار و تحلیل مردم‌شناختی پوشاک بانوان ایلامی است.

سؤالات تحقیق

۱. آیا پوشاک زنان منطقه ایلام دستخوش تغییر شده است؟
۲. آیا پوشاک زنان بر حسب نوع فعالیت اجتماعی آنها تهیه شده است؟
۳. وضعیت پوشاک زنان بر اساس منزلت اجتماعی آنان چگونه است؟
۴. جنس و رنگ مسلط در پوشاک زنان ایلامی چیست؟
۵. باورهای فرهنگی و مذهبی در رابطه با پوشاک در منطقه ایلام چیست؟
۶. چگونه شرایط اقلیمی و محیطی توانسته است نوع و شکل پوشاک زنان را دچار تغییر نماید؟
۷. بر اساس تحلیل مردم‌شناختی، پوشاک زنان ایلامی و اجزای آن دارای چه نمادها و کارکردهایی است؟
۸. با توجه به نظریهٔ اشاعه چه تشابهی بین پوشاک سنتی زنان ایلام و استان‌های همجوار وجود دارد؟

ادبیات تحقیق و چارچوب مفهومی

پیشینهٔ تحقیق

نخستین کتابی که جلیل ضیاءپور (۱۳۴۳) به چاپ رساند «پوشاک باستانی

ایرانیان از کهنترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان نام داشت. وی پس از آن با چاپ کتاب «پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاییان ایران»، تحولی عظیم در پژوهش‌های مربوط به پوشاک اقوام مختلف ایران به وجود آورد و بر اهمیت اقلیم و طبیعت و ارتباط میان اقوام مختلف و تأثیری که بر شکل پوشاک می‌گذارند، تأکید کرد. پس از انتشار این کتاب در سال ۱۳۴۶، کتابهای دیگری از این محقق بزرگ به چاپ رسید که عبارتند از: «پوشاک هخامنشیها و مادی‌ها در تخت جمشید» (۱۳۴۷)، «پوشاک زنان ایران از کهنترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی» (۱۳۴۷) و «زیورهای زنان ایران از دیرباز تا کنون» (۱۳۴۸). میرمحمد مشیرپور (۱۳۴۶) نیز در کتاب «تاریخ تحول لباس در ایران از آغاز تا اسلام» به بررسی تغییرات کیفی لباس ایرانیان در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام تا ورود اسلام به سرزمین ایران پرداخته است.

یحیی ذکاء نیز کتابهای «لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز» را در سال ۱۳۴۹ و «جامه پارسیان در دوره هخامنشیان» را در سال ۱۳۵۱ به چاپ رساند.

«تاریخچه پوشش سر در ایران» نیز از کتابهای جامع و ارزنده‌ای است که حاصل پژوهش سهیلا شهبهانی (۱۳۷۲) است.

محمدرضا چیتساز (۱۳۷۹) نیز در کتاب «تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول»، پوشاک ایرانیان را در سه دوره بررسی کرده است: دوره اول، پوشاک ایرانیان از قدیمیترین ازمنه تا پایان حکومت ساسانیان که شامل پوشاک تمدنهای آریایی یعنی مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان است؛ دوره دوم: پوشاک ایرانیان از ورود اسلام به ایران تا پایان حکومت زندیه و دوره سوم: پوشاک ایرانیان از ابتدای قاجار تاکنون (پوشاک دوران اخیر).

پژوهشکده مردمشناسی سازمان میراث فرهنگی نیز تحقیقات و گزارشهای مردمنگاری‌ای در مورد پوشاک محلی مناطق مختلف کشور انجام داده است که عبارتند از: مردمنگاری پوشاک محلی استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، بوشهر، خراسان، زنجان، سمنان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، استان مرکزی، هرمزگان و خوزستان.

در «مقالات ایرانشناسی» ایرج افشار سیستانی (۱۳۶۹) نیز یک بخش به مشخصات زنان و زیورآلات آنان اختصاص یافته است.

در فصل ششم کتاب «گذری بر تاریخ ایلام» تألیف محمدحسین خانی (۱۳۷۴) نیز اشارهای بسیار کوتاه و مختصر به لباس مردان و زنان ایلام شده است. اروپاییان در سفرنامه‌های خود اغلب بخشی را به شرح و بیان پوشاک و سربند ایرانیان اختصاص داده‌اند. در فصل پنجم کتاب «ایلام عروس زاگرس» تألیف سیدمحمد درخشنده (۱۳۷۳) نیز مطالبی بسیار کوتاه درباره پوشش زنان و مردان ایلامی آمده است.

شیوا جنتی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، «نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی بر پوشاک سنتی زنان سندج و تغییرات آن» را بررسی کرد و الهه کهربایی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی پوشاک زنان عشایر از دیدگاه مردم‌شناختی» از نظر ظاهر و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخت.

«نتایج پژوهش بر روی پوشاک مناطق کویری نشان داده است که مهمترین مؤلفه مؤثر بر فرم، طرح و بافت پوشاک زنان در مناطق کویری ایران، اقلیم طبیعی و پس از آن، جغرافیای فرهنگی است و متغیرهای دین و شغل نیز پس از دو مؤلفه نخست، به ترتیب واجد اهمیت هستند» (یاسینی، ۱۳۹۵: ۱۶۳). از بررسی تمامی پژوهش‌های ذکر شده در بالا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

- عوامل مختلف اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اقتصادی بر پوشاک تأثیر فراوانی دارند.
- همجواری با سایر اقوام از عوامل تأثیرگذار بر پوشاک اقوام ایرانی است.
- ابزار اندازه‌گیری در پژوهش‌های میدانی، مصاحبه و مشاهده مشارکت‌آمیز بوده است.

مبانی نظری تحقیق

نظریات مردم‌شناسی، اغلب بر پایه پاسخگویی به سؤالاتی در مورد وقوع رفتار اجتماعی به شکل موجود و علل تمایزات بشری بنا شده‌اند. یک مردم‌شناس واقعی در مطالعه موضوع مورد نظر خود تنها به تشخیص ماهیت جریانات مختلف علاقه‌مند است و هیچ فرضیه‌ای در مورد جوهر یا محتوای عمل که منجر به تعمیم نامشروع و شیء‌گرایی می‌شود را مطرح نمی‌سازد. استفاده از

مفاهیم نظریات مختلف مردم‌شناسی در یک پژوهش کیفی به این دلیل است که هم زمینه مطالعاتی آن تحقیق در یک جهت معین و مشخص قرار گیرد هم غنا و استواری مطالب جمع‌آوری شده در پژوهش به وسیله قرار گرفتن در یک قالب علمی تضمین شوند؛ لذا در این پژوهش سعی شده است با به‌کارگیری مفاهیم نظریه‌هایی از دو مکتب کارکردگرایی^۱ و اشاعه^۲ به بررسی و تحلیل پوشاک سنتی زنان ایلامی پرداخته شود. کارکردگرایی، رویکردی دیرینه در اندیشه‌ها و نظریات مردم‌شناختی دارد. «بنیان کارکردگرایی ساختاری نوین بر پایه مفروضاتی است که از افکار سه جامعه‌شناس برجسته (کنت، اسپنسر و دورکیم) سرچشمه گرفته است. آنها برای اجزای نظام در تداوم عملکرد کل نظام، نقش مثبتی قائلند» (ریتزر، ۱۳۹۴: ۱۲۲). فونسکیونالیست‌ها معتقدند که هر عمل اجتماعی و هر نهاد فقط به وسیله نقش اجتماعی؛ یعنی نقشی که در بطن مسائل پیچیده و غامض فرهنگی ایفا می‌نماید قابل توجیه و تفسیر است. فونکسیون عبارت از برآوردن یک نیاز به وسیله یک عمل است؛ اما قبل از آنکه جامعه‌شناسان به تحلیل کارکردی اقدام کنند دو تن از مردم‌شناسان به نامهای رادکلیف براون و برانسیلا و مالدینوفسکی اساس تحلیل کارکرد را از دورکیم وام گرفتند و به بسط و گسترش آن پرداختند. «اگوست کنت و هربرت اسپنسر مفهوم کارکرد را صرفاً به عنوان هدفی که فرد به صورت عمدی در پی آن است درک می‌کردند. امیل دورکیم نیز کارکرد را دلیلی مؤثر بر فرایندهای اجتماعی انطباق، سازمانیافتگی و انسجام به حساب می‌آورد» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۷۷). مفاهیم اصلی این نظریه که به آن توجه شده است، عبارتند از: تلقی جامعه به مثابه نظام، رابطه کارکردی میان اجزاء، وحدت کارکردی، وابستگی متقابل اجزای نظام، عمومیت کارکردی و ضرورت کارکردی (گولدنر، ۱۳۸۳: ۴۵۴)؛ بنابراین بر اساس نظریه کارکردگرایی، در این مقاله، تحلیل پوشاک سنتی زنان ایلام به عنوان یکی از اجزای مهم نظام اجتماعی و فرهنگی ایران با توجه به مفاهیم ذکر شده بررسی شده است. از منظر کارکردگرایی، دوام همه سنتها، مناسبات اجتماعی و نهادهای اجتماعی، قائم به وظیفه یا کارکردی است که در

1. functionalism
2. diffusion

هر نظام اجتماعی بر عهده دارند (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۲۲).

نظریه اشاعه‌گرایی یعنی نگرش به پوشیدنیها به مثابه بازمانده انواع پوشاک اولیه. بر این اساس، تن‌پوش‌های فعلی، بازمانده برخی از انواع اولیه است. «اشاعه‌گران معتقد بودند فرهنگ جوامع به صورت تکامل خطی نبوده، بلکه ابتدا در منطقهای موجودیت پیدا کرده و تمام آداب، رسوم، اعتقادات، فنون و ... مشابهی که در سایر مناطق جهان مشاهده میشود از آن منطقه به سایر نقاط اشاعه یافته است» (نوابخش، ۱۳۸۲: ۵۸). اشاعه‌گرایی تغییر را عموماً ناشی از تأثیرپذیری از محیطی بیرونی می‌داند که از طریق همجواری یا انتقال و حرکت، پدیده‌های فرهنگی مبدأ را به محیط فرهنگی مقصد رسانده است. پیروان این مکتب عنوان می‌نمایند که برش‌ها و قسمت‌های مختلفی که فرهنگ یک جامعه را می‌سازند ترکیبی است که از فرهنگ‌های متفاوت گرفته شده است و نقش هر یک از این برش‌ها را نمی‌تون به طور مستقل و مجرد در نظر گرفت (روح‌الامینی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). آنچه امروزه از نظر اندیشمندان جامعه‌شناس و مردم‌شناس اهمیت دارد، توجه به نمادها، پیامها و راز و رمزهای موجود در انواع پوشاک در دوره‌های مختلف و در میان ملت‌های گوناگون است. این پیامها خود از باورها، آداب، سنتها، ویژگیهای جغرافیایی و خاستگاه قومی هر یک از ملتها برخاسته‌اند و به وضوح اصول و منظوره‌های خاصی را القا می‌کنند (الهی، ۱۳۸۹: ۱۰). پوشاک از راه مجموعه‌علائم مادی، یک نظام ارتباطی - فرهنگی در میان مردم جامعه برقرار می‌کند که رمزگشایی این علائم و دریافت مفهوم آنها نیازمند آشنایی با فرهنگ مردم آن گروه و جامعه و باورهایی است که پوشاک، ارزش‌های نمادین خود را از آنها گرفته است. بر اساس مبانی مذکور و از منظر مردم‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های کارگرایانه و اشاعه‌گرایانه مؤثر بر پوشاک سنتی زنان، ابعاد مختلف موضوع و اهداف پژوهش بررسی شد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه روش‌های تحقیق در مردم‌شناسی ویژگی‌های خاص خود را دارد و با روش‌های پژوهش در سایر علوم متفاوت است، ابتدا برای بهتر فهمیدن موضوع مورد مطالعه و دستیابی به اطلاعات صحیح پیرامون موارد ذکرشده در اهداف تحقیق، با نگرشی تاریخی به موضوع، پیشینه پوشاک در

ایران و جهان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت؛ سپس بررسی موضوع تحقیق به صورت موردی و ژرفانگر و عمیق انجام شد. روش مطالعه در این پژوهش، کیفی بوده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی، شامل مشاهده مستقیم همراه با مشارکت و استفاده از تکنیک فیش برداری و مصاحبه نیمه ساختاریافته با استفاده از ابزار ضبط صوت و فیلمبرداری گردآوری شده است. تحقیق میدانی از دو فعالیت به ظاهر متفاوت ترکیب می‌شود. این کار از یک سو به مشاهده مشارکت‌آمیز در زندگی روزانه یک اجتماع و یاد گرفتن زبان مردم آن نیاز دارد تا آنجا که اعضای آن جامعه او را نه به عنوان یک توریست بیگانه، بلکه به عنوان عضوی از اجتماع خود بدانند که در این خصوص به دلیل آشنایی محقق با زمینه تحقیق، مشکلی به وجود نیامد.

جامعه هدف در این پژوهش، زنان شهر ایلام هستند که پوشاک سنتی دارند و به عنوان یک حوزه فرهنگی به بررسی پوشاک آنان پرداخته شده است. البته با توجه به تغییرات زمان و تأثیر آن بر پوشاک بانوان ایلامی و کم بودن تعداد افراد جامعه هدف و مشارکت کنندگان در همه سنین، محقق بر اساس روش گلوله برفی^۱ به دنبال مصاحبه با زنانی بود که از پوشاک و زیورآلات سنتی تقریباً به طور کامل استفاده می‌کردند و در محله‌هایی ساکن بودند که از لحاظ تاریخی و فرهنگی قدمت داشتند. بعضی از نمونه‌ها نیز زنانی بودند که اطلاعات کاملی از پوشاک سنتی، اجزاء و تزیینات مختلف آن داشتند؛ اما خود آنها از این پوشاک استفاده نمی‌کردند. زمان هر مصاحبه در حدود یک ساعت و مکان، منزل آنان بود. تحقیق تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها و اطلاعات به حد اشباع رسید و تکراری شد؛ بنابراین تعداد مشارکت کنندگان به بیست نفر رسید.

یافته‌های تحقیق

۱. تأثیر شرایط اقلیمی بر پوشاک بانوان ایلامی

استان ایلام منطقه‌ای است کوهستانی و شهر ایلام درست در میان کوهها واقع شده است. تدبیری که برای غلبه بر سرمای طبیعت اندیشیده شده است،

1. snowball

استفاده از تن پوش‌ها و پاپوش‌های مناسب می‌باشد. استفاده از سوخمه و کت از جنس مخمل، شلوارهای مچدار، جورابهای پشمی و پاپوش‌هایی که علاوه بر سبکی، مقاوم و راحت باشند برای جلوگیری از نفوذ هوای سرد به زیر لباس و مقابله با شرایط زیستی موجود است. افزایش تعداد اجزاء و تیره‌تر شدن رنگ پوشاک تأثیر شرایط اقلیمی بر پوشاک زنان ایلام را نشان می‌دهد. پوشش پالتو نیز بر حسب تغییرات جوی استفاده می‌شود؛ زیرا این پوشش گرم، مناسب استفاده در هوای سرد است. به دلیل وزش بادهای شدید و وجود خار و گیاهان بوته‌ای در منطقه، دامن پیراهن، پرچین دوخته می‌شود و بلندی آن تا ساق پاست؛ همچنین گشاد و بلند بودن دامن و تنگ بودن پایین شلوار سبب می‌شود که فرد از گزند جانورانی مانند مار و عقرب و حشرات حفظ شود و از برخورد با سنگها و افتادن روی زمین یا شکستن استخوانها در امان ماند.

۲. تأثیر شرایط و عوامل فرهنگی بر پوشاک بانوان ایلامی

عوامل فرهنگی از مهمترین مواردی است که بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد یک جامعه اثر مستقیم دارد. رنگها، نقش و نگارها، طرز دوخت و تزیین و به طور کلی شکل پوشیدن لباس در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگیهای فرهنگی آن جامعه متفاوت است. پارچه‌هایی که برای پوشاک زنان اعم از روسری، قبا، پیراهن و شلوار در این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد رنگهای متنوع شاد، تند و زنده‌ای (صورتی، ارغوانی، قرمز، فیروزه‌ای، سبز و ...) دارند که متأثر از محیط خرم و سرسبز ایلام است. با توجه به این مطالب واضح است که رنگ در پوشاک کردها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. غالباً رنگ پوشاک سنتی زنان مسن، قهوه‌ای، آبی تیره، سبز تیره و مشکی و برای زنان جوان، قرمز، زرد و نارنجی می‌باشد. جنس برتر و مورد پسند همه زنان کرد در گذشته نیز مخمل و ابریشم بوده است؛ چنانکه معمولاً برای سربند (کلاغی) و گاه پیراهن و شلوار از ابریشم استفاده می‌کرده‌اند. پارچه‌های پشمی، چیت و گودری نیز بنا بر ضرورت برای تهیه شلوار و زیرپیراهن مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۳. تأثیر شرایط و عوامل اجتماعی اقتصادی بر پوشاک بانوان ایلامی

منطقه کوهستانی ایلام با ارتفاعی که دارد زمینه را برای دامداری و گله‌داری

و پرورش گاو و گوسفند فراهم کرده است؛ از این رو استفاده از پشم دام نیز جایگاه خاصی در معیشت و اقتصاد مردم کرد دارد.

تهیه کلاغی (سربند) از ابریشم، جوراب از پشم و کفش از چرم طبیعی گاو؛ همچنین بافت پارچه‌های پشمی و تهیه نخ‌های پنبه‌ای نشان‌دهنده استفاده از مواد اولیه طبیعی پیرامون و نحوه زندگی آنهاست. استفاده از سربند و تزیینات مخصوص لباس در میان خانواده‌های مرفه و ثروتمند و برخوردار از پایگاه و منزلت اجتماعی بالا متداول بوده است. استفاده از سربند کردی به ارتفاع و حجم سر می‌افزاید و تأثیر روانی آن، احساس وقار، هیبت و شکوه است. افراد ثروتمند در تزیین سربند و لباس از طلا و نقره و افراد در سطح متوسط از پولک‌های رایج و قدیمی، صدف و منگوله استفاده می‌کردند. در حال حاضر با توجه به وضع زندگی و تغییرات آن، علاوه بر تحولاتی که در پوشاک حاصل شده است، زیورآلات دست و سر و گردن بیشتر از زیورآلات پوشاک استفاده می‌شود و دیگر استفاده از زیورآلات پوشاک نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی، میزان بضاعت و طبقه اجتماعی فرد نیست.

۴. تحلیل مردم‌شناختی پوشاک بانوان ایلامی

پوشاک زنان کرد توأم با زیوریهایی است که اغلب توسط خودشان بر روی لباس دوخته می‌شود. در گذشته زیورآلات زنان به جز جنبه زیبایی، پس‌انداز خانواده نیز محسوب می‌شده و جنبه اقتصادی و مالی داشته است؛ چنانکه به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان در مواقعی که محصول خانواده خوب نبود با فروش سکه‌های نقره دوخته‌شده به لباس مایحتاج خود را خریداری می‌کردند. لازم به ذکر است که باورها و دانسته‌های عامیانه نیز تأثیر خود را بر پوشاک می‌گذارد؛ مثلاً آویختن گردنبندی از مهره به گردن، از ورود «آل»^۱ به داخل خانه و آزار افراد توسط موجودی به نام «شیخ»^۲ جلوگیری می‌کند و وصل

۱. آل موجودی نامرئی است مانند جن که به زنی که تازه وضع حمل کرده اگر تنها بماند صدمه می‌رساند (معین، ۱۳۷۵: ۱۳۷). آل، خیالی و ساخته و پرداخته ذهن انسان و جن، واقعی است.

۲. شیخ به تجسم روح فرد مرده گفته می‌شود. شیخ‌ها ممکن است با روح پلید هم اشتباه گرفته شوند.

کردن مهره‌های سیاه‌رنگ نقیم به سوخه^۱ و استفاده از گردنبندهایی از مهره‌های آبی باعث دفع چشم زخم می‌شود. پوشاک عروس نمادها و نشانه‌هایی از دوران باستان در خود دارد که زنان با پوشیدن آن منتقل‌کننده این نمادها هستند؛ استفاده از تور قرمز رنگ بر سر عروس یا استفاده از لباس سفید برای او یادگاری از دوران حجاب در روزگاران باستان است. پوشاندن سر از سوی عروس شرق باستان نیز به عقیده بعضی‌ها نشانه اطاعت آنان از همسرانشان بوده است.

کارکرد و تزیینات سربند

در استفاده از سربند توسط زنان اقوام ایرانی همواره جنبه‌های تزیینی آن مورد توجه بوده است. آنان از هر طبقه‌ای که بودند از کلاهک‌ها و پیشانی‌بندهای مزین به انواع زیورآلات و سکه‌ها و روسری‌هایی با رودوزی‌های گوناگون استفاده می‌کردند و متناسب با شأن اجتماعی و استطاعت مالی خود با سکه‌های طلا یا پولک‌های رنگین ارزان‌قیمت سربندهای خود را می‌آراستند و این ناشی از احساس مشترک بین کلیه زنان؛ یعنی حس «زیبایی‌دوستی» است. بدین ترتیب با توجه به نوع آرایش و زیور سربندها، می‌توان به شأن و مرتبه اجتماعی زنان در هر قوم پی برد.

با توجه به مطالب ارائه‌شده، نکات مهمی که در ترکیب سربند و مطالعه آن باید مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر است:

استفاده از سکه: نکته قابل توجه در تزیین سربندهای زنان و حتی پوشاک که کمابیش در بین اقوام ایرانی مشترک است، استفاده از سکه‌های رایج می‌باشد. از آنجا که در گذشته، اغلب، اقوام مورد هجوم یا دستبرد اقوام متمدن همجوار خود قرار می‌گرفتند، چنین استنباط می‌شود که یکی از راههای حفظ نقدینگی خانواده، استفاده از سکه‌ها در زیورآلات و تزیین پوشاک و سربند زنان بوده است؛ چراکه در مواقع حمله به راحتی می‌توانسته‌اند آنها را جابجا کنند و از

۱. سوخمه (soxma): جلیقه بانوان ایلامی که از جنس مخمل است و پراکهای پهن و نوارها و پولک‌های فراوان دارد؛ معمولاً حاشیه جلوی سوخمه، از سرشانه به پایین و پهلوهای آن پر از سکه و زیورهای طلا و نقره است.

دستبردها نجات دهند.

گره: در برخی از سربندها، گره نقش محکم‌کننده و در برخی دیگر نقش آرایه را دارد.

پوشاندن دهان: در برخی از اقوام، پوشاندن دهان، چانه و گاه بینی در بین زنان متداول است؛ این اقوام عبارتند از: کردهای خراسان و خراسانی‌ها، ترکمن‌ها، ایلسون‌ها و کردهای ایلامی در هنگام عزاداری.

گیسوان: اغلب زنان در بعضی از اقوام ایرانی بخشی از گیسوان خود به‌ویژه قسمت جلوی آن را با آرایش خاصی بیرون از سر بند قرار می‌دهند. با توجه به مسلمان بودن اقوام معاصر ساکن در ایران، چنین به نظر می‌رسد که این رسم، ریشه در سنتهای گذشته دارد که تا کنون باقی مانده است. در این میان، بیشتر بر پوشاندن قسمت‌های بالا و پشت سر اهتمام می‌ورزند و آن را از دید مخفی می‌کنند و در پوشاندن بخشی از گیسوان که در طرفین صورت قرار می‌گیرد اصرار چندانی ندارند.

استفاده از کلاغی: در بین اغلب اقوام ایرانی، به غیر از نواحی جنوب و جنوب شرقی، استفاده از کلاغی بر روی بقیه اجزای سر بند برای محکم کردن آن در زمان فعالیت و کار مرسوم است.

مشخصه تاهل زنان: استفاده از سر بند در بین برخی از اقوام از نشانه‌های وضعیت تاهل زنان است؛ چنانکه دختران ایلامی در گذشته تا قبل از ازدواج از سر بند استفاده نمی‌کردند و تنها به بستن گلونی^۱ اکتفا می‌نمودند.

کارکردهای تن پوش

۱. گلونی (golwani): پارچه‌ای مربع شکل از جنس حریر یا نخی با نقش‌های رنگی و طرح بته‌جقه است که آن را به حالت سه‌گوش درآورده و روی سر می‌اندازند و به گفته درویشیان (۱۳۷۵: ۳۵۵) «نوعی چارقصد رنگارنگ از جنس ابریشم» است.

شکل و رنگ‌بندی، ترکیب زیبایی را در تن‌پوش‌های بانوان ایلامی به وجود می‌آورد که مسلماً به کار بردن ذوق و سلیقه در دوخت و طراحی آنها نشان‌دهنده و معرف صدها عنصر فرهنگی است که در کنار هم تشکیل چنین پوششی را داده‌اند.

تن‌پوش‌های سنتی بانوان ایلامی کارکردهای گوناگون و فراوان دارند که در این قسمت به چند مورد آنها اشاره می‌شود. یکی از کارکردهای پیراهن (کرواس) این است که زنان می‌توانند به راحتی به فعالیت‌های گوناگون از جمله کشاورزی یا بافتن جاجیم و گلیم و قالی بپردازند؛ زیرا لباس این بانوان به صورت گشاد و آزاد، طراحی و دوخته شده و متناسب با فعالیت‌های روزانه آنان است؛ لذا در حین کار مشکلی برایشان پیش نمی‌آید. جنس تن‌پوش آنها نیز که با شرایط اقلیمی و مناطق کوهستانی و سردسیر متناسب است و می‌چدار بودن آستین پیراهن و پایین شلوار از ورود و نفوذ هوای سرد به زیر لباس جلوگیری می‌کند. فرم تن‌پوش بانوان کاملاً با شئون اخلاقی و مذهبی حاکم بر جامعه سنخیت دارد و این بار فرهنگی غنی و مثبتی است که در طول زمان حفظ شده است؛ همچنین استفاده از تن‌پوش شلوار در میان بانوان ایلامی علاوه بر تأثیر اقلیم، تأثیر اخلاقیات و باورهای فرهنگی را بر پوشاک نشان می‌دهد.

کارکرد گیوه^۱

پاپوش زنان ایلامی در گذشته تناسب و هماهنگی بسیار زیادی با نحوه معیشت، محیط زندگی و شرایط آب و هوایی منطقه داشته؛ از این رو در این منطقه کوهستانی و سردسیر، از گیوه استفاده می‌شده است؛ همچنین این نوع پاپوش برای راهپیمایی‌های طولانی مناسب بوده است.

کارکرد زیورآلات

زیورآلات تنها برای زیبایی به کار برده نمی‌شوند؛ بلکه موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد را نیز نشان می‌دهند و با زیبایی و شکوه خیره‌کننده و اصالتی که به لباس می‌دهند، به همراه عواملی چون فرم، رنگ و صدا، وقار آن را

۱. نوعی کفش دستبافت سفید یا رنگی که جنس آن از پشم یا پنبه است.

صدچندان می‌کنند. استفاده از زیورآلات به‌ویژه در مراسم خاص، علاوه بر اینکه قدرت مالی فرد را می‌رساند، نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی او نیز هست. جنس و نوع زیور (طلا، نقره، نیکل و ...)، اندازه و شکل آن، نگین‌های به کار رفته در آن و ... نیز گویای چنین تأثیری است.

استفاده از زیورها در پوشاک، راهی برای اندوختن و پس‌انداز نیز بوده است. یکی دیگر از کارکردهای زیورآلات نشان دادن تأهل یا مجرد فرد استفاده‌کننده می‌باشد؛ زیرا استفاده از برخی زیورآلات مانند حلقه، نشان از تأهل زن است و دختران حق استفاده از آن را ندارند. این نوع زیور علاوه بر نشان دادن موقعیت اقتصادی همسر و خانواده‌اش، اطاعت و مطیع بودن زن در برابر همسر و خانواده او را نیز نشان می‌دهد. زیورآلات دختران به مراتب ساده‌تر و ظریف‌تر از زیورآلات زنان هستند و زیورهای زنانه شکیل‌تر و بزرگ‌تر به نظر می‌رسند. کارکرد دیگر زیورآلات استفاده به عنوان طلسم می‌باشد؛ زیرا باور و اعتقاد بشر به نیروهای ماوراء و استفاده از شیئی که بتواند در مقابل این نیروها او را یاری کند چیزی است که آنها را به استفاده از طلسم وا داشته است. مهره‌های رنگی، پشتوانه‌های اعتقادی و مذهبی محکمی در باورهای زنان ایلامی دارند. برخی از این مهره‌ها علاوه بر جنبه تزئینی، از خاصیت دفع چشم‌زخم و شفابخشی نیز برخوردارند. استفاده از سنگ‌های عقیق و فیروزه هم علاوه بر آراستن زیورآلات به خاطر نیروی تعویذگونه آنها مانند خاصیت شفابخشی، دفع چشم‌زخم، حفاظت از بلاهای طبیعی و ... است. اقوام کهن ایران به‌ویژه کردها برای طبیعت احترام زیادی قائلند، به همین دلیل از نقوشی که به نوعی مظهر و جلوه‌ای از طبیعت است در زیورآلات خود استفاده می‌کردند؛ مثل استفاده از اشکال ماه و ستاره در پیشانی‌بندهای زنان. گاهی نیز عدم استفاده از زیورآلات به دلیل باورهای فرهنگی است؛ مثلاً در مراسم سوگواری، زنان نباید از زیورآلات استفاده کنند؛ به‌ویژه اگر همسر یا یکی از اقوام نزدیک خود را از دست داده باشند، استفاده از آرایه‌ها را بر خود حرام می‌کنند. آشنایان و اقوام دورتر نیز به منظور شرکت در عزاداری و همدلی و همدردی با صاحب‌عزا، زیورهایشان را کنار می‌افکنند.

تأثیر عوامل طبیعی و اقلیم بر زیورآلات زنان ایلامی را می‌توان در تهیه گردنبند و دستبند از گیاهان معطری چون میخک دید.

کارکرد زیبایی‌شناختی

کارکرد زیبایی‌شناختی پوشاک از دو جنبه قابل بررسی است: اول از نظر طراحی پوشاک و نقوش روی آن و دوم از نظر رنگ پارچه. «طراحی لباس به دلیل توانمندی در ایجاد تصاویری کاملاً به شکل بدن انسان، از منظر روانشناسانه و ساختاری، یک هنر است» (وولن و بردلی^۱، ۱۹۹۹: ۱۷). یکی از دلایل استفاده از پارچه‌های زربفت، مخمل و توری‌های رنگارنگ در پوشاک سنتی بانوان ایلامی، جالب توجه و خوشایند بودن رنگ‌های تندی مانند قرمز، جگری، سبز و ... از نظر مردمان این سرزمین می‌باشد. علاقه به چنین رنگ‌هایی نیز ریشه در ساخت اجتماعی و فرهنگ کهن این منطقه دارد؛ زیرا این رنگ‌ها در یک هماهنگی چشم‌نواز با شرایط اقلیمی و محیطی قرار دارد که در آن زندگی می‌کنند؛ به طوری که از لحاظ روانی و روحی آنها را به تعادل میرساند. تأثیر مستقیمی که نوع آب و هوا بر شکل طبیعت می‌گذارد، یکی از اصلی‌ترین عواملی است که سلیقه انسان را در انتخاب رنگ شکل می‌دهد.

۵. تحلیل مردم‌شناختی نقوش روی گلونی

مهمترین ویژگی گلونی، نقوش آن است؛ نقوشی چشم‌نواز، خوش ترکیب، انتزاعی و تجریدی که دارای هماهنگی، تناسب و تقارن می‌باشد. می‌توان گفت این نقش‌ها تجلی‌گاه اندیشه، ذوق، باور، اعتقاد و سنت اجدادی زنان ایلامی است و با مردم ایلام و هر آنچه با فطرت و اندیشه و فرهنگ آنان مرتبط است، پیوستگی دارد؛ فرهنگی که آمیزه‌ای از سنت اجدادی، اساطیر، باورها، آمال و آرزوها، محیط و جغرافیای طبیعی منطقه است. در این قسمت از پژوهش، برخی از نمادها و نقوشی را که بر روی گلونی‌ها به طور مشترک وجود دارند از دید مردم‌شناختی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در اکثر قریب به اتفاق گلونی‌های ایلامی، تصاویری از پدیده‌های طبیعی از قبیل آب، کوه، درّه و خورشید وجود دارد که اغلب، این نگاره‌های طبیعی با اشکال واقعی خود تفاوت زیادی دارند؛ به طوری که با نگاهی سطحی به گلونی، ممکن است متوجه وجود اشکالی از پدیده‌های طبیعی در آنها نشویم. در این نوع پوشش برای نشان دادن رودخانه یا

1. Wollen, Bradley, Fiona

- آب در حال حرکت از خطوط موازی یا موجدار استفاده می‌شود. در مورد دیگر تصاویر موجود بر سطح گلونی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- نقش عقاب: سنبل قدرت، اقتدار و بیپروایی است.
 - نگاره آب: معرف سه مضمون چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز زندگی دوباره است.
 - دایره: نماد ابدیت، روح، آسمان، وسعت، کلیت، شکفتگی، کمال و گردونه و چرخه حیات است. «دایره که تمامیت روان انسان را در جنبه‌های مختلف از جمله رابطه میان انسان و طبیعت بیان می‌کند، نمادی از خلق جهان و حرکت پیوسته و مدور آسمان است» (نظام‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).
 - بته‌جقه: نقش سرو است. در تمدن هخامنشیان و برای ایرانیان در عهد باستان، درخت سرو درخت زندگی و سمبل جاودانگی محسوب می‌شده است.
 - لوزی: نماد کوه و دره با هم و الهام گرفته از طبیعت ایلام است. «هنگامی که انسان در طبیعت به کوه و دره در کنار هم برخورد می‌کند از شکل لوزی برای بیان آن استفاده می‌کند» (همان: ۱۶۰).
 - نگاره مار: سرچشمه حیات و تخیل و نماد آب، باروری و تاریکی است. در تمدن ایلامی نیز نماد فراوانی و آب بوده است.
 - گل لوتوس (نیلوفر): از نمادهای مهری است و هخامنشیان که به میترا دلبستگی فراوان داشتند این گل را در مهرگان با آیین ویژه و شکوه فراوان می‌پرستیدند. «گل چندپیر لوتوس نماد خورشید، آب، کمال، تمامیت و یکپارچگی روح زمان و کامل‌ترین شکل هندسی است» (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳: ۱۷).
 - چرخ: نماد خورشید، جان و معبد خورشید و پره‌های آن، نماد پرتوهای خورشید، فلک و فلک‌البروج است. «خورشید در هزاره چهارم قبل از میلاد در فلات ایران از بزرگترین خدایان شمرده می‌شد» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

جدول شماره (۱). مقایسه سربند و اجزای سربند بانوان ایلامی
با اقوام مختلف کرد و استانهای همجوار

ملاحظات	جنس سربند	اجزای سربند	قوم
تزیینات زیادی بر روی عمامه به کار می‌رفته است؛ از زیورهای این پوشش می‌توان به سکه‌های زر و نقره، رشته‌های زرین و مهره‌های رنگین اشاره کرد. این کلاه خاص اشرف بوده است. با استفاده از پولک و نخ‌های طلایی تزیین می‌شده است. زنان کرد گاهی چند سربند بر روی هم می‌بندند.	کلاه: مخمل عمامه: پارچه نخی لطیف تور ابریشم (کلاغی) نخ	۱. عمامه: از دو بخش تشکیل شده است: الف) کلاهی کوتاه و استوانه‌ای که بالای آن مسطح است؛ ب) مقداری پارچه لوله‌شده که دور کلاه پیچیده می‌شود. ۲. روسری: این روسری چهارگوش و تزیین شده بر روی عمامه و شانه‌ها افکنده می‌شود. ۳. سربند: چهارگوش و بزرگ است، دور سر بسته می‌شود و شبیه عمامه است. ۴. چادر: از اجزائی است که اخیراً به لباس بانوان کرد اضافه شده است و بُرشی نیم‌گرد دارد.	کردهای کردستان
این پوشش دارای ریشه‌های تزیینی است که پس از بسته‌شدن، به دور پیشانی و صورت می‌افتد.	مخمل کلاغی نخی، کرب، حریر و ...	۱. کلاه: گاه استوانه‌ای و مسطح و گاه ترکدار است ۲. سربند: مانند سربند زنان کردستان و رنگ آن مشکی است ۳. روسری: دستمالی رنگین و بزرگ است که دور سربند به شکل عمامه بسته می‌شود. ۴. چادر: در هنگام رفتن به سفر و مهمانی آن را به سر می‌کند.	کردهای کرمانشاه
رویه کلاه به وسیله یراق و پولک منقوش می‌شود. زنان این خطه گاه از بافته‌هایی ابریشمی به نام ریشه برای دور کلاغی خود استفاده می‌کنند.	مقوا با رویه مخمل ابریشم (کلاغی)	۱. کلاه: استوانه‌ای و مسطح است و به رنگ‌های قرمز و آلبالویی دیده می‌شود. ۲. سربند: معمولاً به دور کلاه پیچیده می‌شود و طول آن در حدود سه متر و بیشتر است. ۳. روسری: دستمال سه‌گوش بزرگی است که ساده یا گلدار می‌باشد و معمولاً آن را به روی کلاه می‌گذارند.	کردهای آذربایجان غربی

ادامه جدول شماره (۱). مقایسه سربند و اجزای سربند بانوان ایلامی

با اقوام مختلف کرد و استانهای همجوار

قوم	اجزای سربند	جنس سربند	ملاحظات
کردهای شمال خراسان	۱. روسری: دستمالی چهارگوش و بزرگ با زمینه روشن و گلدار است که آن را تا زده و بر سر می گذارند. ۲. سربند: آن را به روی روسری مینندند. ۳. کلاه: دارای برش دایره‌ای و مسطح است.	نخی گلدار ابریشم (کلاغی)	این پوشش ریشه‌های تزئینی در اطراف دارد. کلاه، تزئینات مفصلی و زیورهای متفاوتی دارد و استفاده از آن اکنون نیز رایج است.
کردهای ایلام	۱. گلونی: پارچه‌ای مربع‌شکل با نقشه‌ای رنگی و طرح بته‌حقه است. ۲. سربند: به دور گلونی و روسری پیچیده می‌شود و رنگ آن مشکی است. ۳. هبر: پارچه‌ای مربع شکل به رنگ مشکی است. ۴. مقنا: روسری سیاه‌رنگ و مستطیل‌شکلی به ابعاد ۷۰×۲۰ سانتیمتر است. ۵. چادر یا قتره: در مراسمات رسمی استفاده می‌شود.	حریر یا نخ مخمل یا کلاغی مخمل ابریشم نازک یا نخ ابریشم	گلونی را سه‌گوش می‌کنند و بر سر می‌اندازند. ریشه یا گلنگ دارد. ریشه دارد و به جای سربند روی گلونی بسته می‌شود.
لرها	۱. کلاه: از پوشش‌های بانوان لر است. ۲. سربند: بزرگ و مربع یا مستطیل‌شکل است که آن را همچون عمامه بر سر می‌بندند و اضافه گوشه‌های آن را در پشت آویزان می‌کنند. ۳. چادر: امروزه هنگام رفتن به شهر یا مسافرت استفاده می‌شود.	ابریشم (کلاغی) نخی، کرب، حریر و ...	سربند را با زنجیرهای سیمین و سکه‌های قدیمی یا معاصر تزئین می‌کنند.
بانوان کرانه قنص خلیج فارس و زنان عرب خوزستان	۱. مقنا: پارچه‌ای مستطیلی‌شکل با ابعاد ۷۰×۱۵۰ سانتیمتر است که زنان آن را به دور سر و گردن خود می‌پیچند؛ به طوری که فقط گردی صورت مشخص می‌شود. ۲. عصابه: پارچه‌ای ساده و چهارگوش است که زنان مسن عرب بر روی مقنا می‌بندند. ۳. پوشیه: به رنگ مشکی و تورمانند است که تمامی صورت زنان را می‌پوشاند. ۴. عبا: پوششی بلند و مشکی است که زنان مانند چادر به سر می‌کنند.	نخ نخ تور یا نخ	برای محکم کردن مقنا بر روی سر از سنجاقی تزئینی به نام چلاب استفاده می‌کنند. گاهی برای تزئین عصابه، شرابهایی به گوشه‌های آن نصب می‌شود (جتتی، ۱۳۸۳: ۷۳).

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی می توان گفت که پوشاک بانوان ایرانی تا قبل از اسلام؛ به ویژه در دوره مادها، پارسیها و هخامنشیان تفاوت چندانی با پوشاک مردان نداشته و فاصله طبقاتی و وضعیت اقتصادی افراد بر نوع پوشاک و زیورآلات آنها تأثیر فراوانی داشته است. شرایط اقلیمی و آب و هوایی (سرما و گرما و شرایط جوی دیگر) بر نحوه پوشش افراد؛ به ویژه بانوان ایلامی تأثیر گذارده و جنبه های کاربردی خاصی را برای برخی از اجزای پوشاک پدید آورده است. مشابه یافته های سایر پژوهش ها، جنس و نوع پارچه، ضخامت، تعداد اجزاء، بلندی و کوتاهی و رنگ در پوشاک زنان ایلامی، ارتباط مستقیمی با آب و هوای منطقه دارد. نحوه معیشت و زیست افراد ساکن در شهرستان ایلام که در گذشته مبتنی بر دامداری و کشاورزی بوده نیز بر نوع پوشاک بانوان این منطقه تأثیر گذارده است که این تأثیر هم در کیفیت و شکل ظاهری و هم در ضخامت و تنگ و گشاد بودن پوشاک دیده می شود. استفاده از زیورآلات گرانبها یا پارچه های زربافت و مخمل نیز حکایت از نوع معیشت افراد دارد. با بررسی شباهت های موجود در سرپوش ها و تن پوش های زنان استانهای مجاور و با در نظر گرفتن حوزه جغرافیایی می توان نشانه ای از فرهنگ پذیری و تأثیر گذاری بر یکدیگر را مشاهده کرد. پوشاک در استان ایلام علاوه بر نقش کارکردی، نشانه ای از هویت فرهنگی و اجتماعی است؛ انتخاب رنگ و نقوش روی پارچه و تزیین لباس به اشکال مختلف معرف شخصیت، طبقه اجتماعی و دارایی افرادی است که بدین وسیله خود را از سایر افراد متمایز می کنند. رنگ پوشاک نیز متأثر از اقلیم و آب و هوای منطقه است. با شناخت رنگ های حاکم در هر جامعه می توان به سنجش شخصیت فردی و اجتماعی افراد آن جامعه پی برد. نقوش روی پوشاک و تزیینات و زیورآلات زنان ایلامی، علاوه بر اینکه معرف ذوق هنری و آداب و سلیقه قومی در طول تاریخ بشر بوده است، ریشه در باورها و اعتقادات آنها دارد و مظهر و نمونه ای است از مفاهیمی که در زندگی آنها دارای معناست. گاه زمینه لباس از یک نقش واحد به وجود می آید و یگانگی مطلق را نشان می دهد و گاه ممکن است نقوش یکی پس از دیگری زمینه لباس را بیاریند و پس از چندی دوباره پدیدار گردند، همچنان که هنگامه کاشت، داشت و برداشت یا هنگامه ییلاق و قشلاق از پی هم می آیند و می روند.

آنچه میان نقوش و طرحهای موجود در میان اقوام مختلف اشتراک دارد سازگار بودن آنها با روحیه مردم است. رابطه مستقیم با طبیعت و سادگی زندگی، نقشها را ساده کرده و خطوط شکسته و محکم و اشکال استواری را پدید آورده است که گویای قدرت استحکام ارزشها و سنن فرهنگی در بین اقوام می باشد که اگر در معرض نابودی قرار گیرند شیرازه آنها از هم می پاشد. تزئین بدن با وسایل گوناگون نظیر خالکوبی پیشانی، زیر لب، چانه و دستها، تزئین دستها به وسیله حنا و تزئین دندان به وسیله طلا از مواردی است که اهمیت تزئین و آراستگی را نزد بانوان ایلامی مشخص می کند. گاهی دیده شده بسیاری از زیورآلاتی که توسط یک قوم استفاده می شده است پس از گسستگی فرهنگی و پدید آمدن فرهنگ جدید، توسط گروهی از آنها استفاده نمی گردد؛ چنانکه در دین اسلام، استفاده از زیورآلاتی که سبب جلب توجه شود، منع شده است. بررسی پوشاک به عنوان یک عامل شاخص و بنیادی نقش مهمی را در شناخت اقوام و طوایف و همبستگی فرهنگی آنها ایفا می کند. اشاعه پوشاک در میان جوامعی که خصوصیات جغرافیایی مشترک دارند منطقه ای فرهنگی را به وجود آورده است که پوشاک اقوام مختلف ساکن در آن از هم تأثیر گرفته اند. اختلاف میان تن پوش مردم جوامع مختلف، جدای از خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی و عوامل اجتماعی، اقتصادی و معیشتی، ناشی از فرهنگ و جهان بینی آن جامعه است. پوشاک سنتی ایران در سالهای اخیر تغییرات و دگرگونیهای زیادی را شاهد بوده است تا آنجا که در میان برخی از اقوام و عشایر معاصر ایرانی که فرهنگ زیستی بر آن غالب گردیده، استفاده از سرپوشها و پوشاک محلی در جریان عادی زندگی رو به نابودی است و تنها در جشنها و ضیافتها مورد استفاده قرار می گیرد.

پوشیدگی از جمله شاخصهای بارز پوشاک در فرهنگ زنان ایلامی است. کامل بودن و راحتی، زیبایی و استفاده مناسب از رودوزیهای سنتی در تکمیل و تزئین، داشتن تجانس و قرابت با فرهنگ جامعه و متناسب بودن با شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر اهمیت هرچه بیشتر پوشاک سنتی می افزاید. استفاده از سرپوش در قومیتهای مختلف رایج است؛ اما در هر قوم و قبیله ای شکل آن بنا به باورهای آنان متفاوت است؛ چنانکه پوشاندن دهان، چانه و بینی نزد زنان ترکمن یا پوشانیدن و بیرون گذاشتن قسمتی از مو نزد

زنان کرد و بختیاری ریشه در باورهای فرهنگی و اعتقادی دارد. پوشاک و زیورآلات عناصری فرهنگی هستند که با هم و در کنار هم، معرف ذوق، سلیقه، شکوه و غنای فرهنگی هر قوم می‌باشند.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود برای بررسی و تحلیل بیشتر پوشاک سنتی مردم ایلام، پژوهش‌هایی در زمینه پوشاک مردان و کودکان و اجزای آن و نمادهای موجود بر روی آنها انجام پذیرد؛ همچنین شایسته است در مورد مدیریت بدن و آرایش سنتی صورت و بدن در میان زنان ایلامی در گذشته و حال، مطالعات تطبیقی صورت گیرد. از سویی بهتر است با برپایی نمایشگاه‌های سنتی مختلف، نسل جدید را با پوشاک و زیورآلات سنتی اقوام مختلف ایرانی آشنا کرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- اسماعیل پور، ابوالقاسم؛ (۱۳۹۳)، اسطوره بیان نمادین، چ چهارم، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- افشار سیستانی، ایرج؛ (۱۳۶۹)، مقالات ایران‌شناسی، تهران: نسل دانش.
- توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جنتی، شیوا؛ (۱۳۸۳)، نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی بر پوشاک سنتی زنان سنندج و تغییرات آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- چیت‌ساز، محمدرضا؛ (۱۳۷۹)، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران: سمت.
- خانی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴)، گذری بر تاریخ ایلام، ایلام: صاحب اثر.
- درخشنده، صیدمحمد؛ (۱۳۷۳)، ایلام عروس زاگرس، ایلام: پیام.
- درویشیان، علی‌اشرف؛ (۱۳۷۵)، فرهنگ کردی کرمانشاهی کردی - فارسی، تهران: سه‌نند.

- ذکاء، یحیی؛ (۱۳۴۹)، لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز، تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه.
- ذکاء، یحیی؛ (۱۳۵۱)، «جامه پارسیان در دوره هخامنشیان»، هنر و مردم، شماره ۲۳، صص ۱۶۹-.
- روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۹۱)، گرد شهر با چراغ در مبانی انسان‌شناسی: با تجدید نظر، چ شانزدهم، تهران: عطار.
- ریتزر، جورج؛ (۱۳۹۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چ بیستم، تهران: رامین.
- شهشانی، سهیلا؛ (۱۳۷۲)، تاریخچه پوشش سر در ایران، تهران: مدبر.
- ضیاءپور، جلیل؛ (۱۳۴۳)، پوشاک باستانی ایرانیان از کهنترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران: هنرهای زیبای کشور.
- ضیاءپور، جلیل؛ (۱۳۴۶)، پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاییان ایران، تهران: فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل؛ (۱۳۴۷)، پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل؛ (۱۳۴۸)، زیورهای زنان ایران از دیرباز تا کنون، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل؛ (۱۳۴۷)، پوشاک هخامنشی‌ها و مادی‌ها در تخت جمشید، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۸۴)، تاریخ نظریه و اندیشه انسان‌شناسی، تهران: نی.
- کهربایی، الهه؛ (۱۳۸۱)، بررسی پوشاک زنان عشایر از دیدگاه مردم‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- گولدنر، آلوین؛ (۱۳۸۳)، بحران جامعه‌شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران: علمی.
- مشیرپور، میرمحمد؛ (۱۳۴۶)، تاریخ تحول لباس در ایران از آغاز تا اسلام، مشهد: زوار.
- معین، محمد؛ (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، ج سوم، چ نهم، تهران: امیرکبیر.
- نظام‌آبادی، مهران؛ (۱۳۸۱)، بررسی مردم‌شناختی گلیم هرسین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- نوابخش، مهرداد؛ (۱۳۸۲)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های مردم‌شناسی، اراک: محمد.
- الهی، محبوبه؛ (۱۳۸۹)، «لباس به مثابه هویت»، مطالعات ملی، شماره ۲، صص ۳-۳۰.
- یاحقی، محمدجعفر؛ (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، چ دوم، تهران: سروش.
- یاسینی، سیدهراسیه؛ (۱۳۹۵)، «ارزیابی جامعه‌شناختی - زیبایی‌شناختی پوشاک سنتی زنان مناطق کویری ایران با تمرکز بر اقلیم فرهنگی و طبیعی»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۱۸۹-۱۶۳.

ب) انگلیسی

- Wollen, Peter ; Bradley ,Fiona (1999) Addressing the Century: 100 years of art & fashion ; [published on the occasion of the exhibition Addressing the Century: 100 years of Art and Fashion Hayward Gallery, London, 8 october 1998 - 11 january 1999, Kunstmuseum Wolfsburg, 26 February - 23 May 1999] London ,Hayward Gallery.